

چگونه توانستیم علاقه و انگیزه دانش‌آموزان متوسطه اول را در درس انشا تقویت نماییم؟ (مورد مطالعه: مدرسه فاطمیه سرچشمه زارچ)

فضل‌الله رضایی اردانی (نویسنده مسوول)^۱
فاطمه کلانتری سرچشمه^۲

چکیده

مهارت نوشتن در جهان پیچیده امروز که نشانه‌های نوشتاری در آن سلطه بلامنازع دارند، اهمیت صدچندان یافته‌است. مهارت نوشتاری را می‌توان آخرین مرحله از مراحل نوشتن دانست. این مهارت، در برگزیده توانایی اندیشیدن، تحلیل، ترکیب، نوآوری و تفکر برای خلق یک اثر نوشتاری است. در این میان، جایگاه انشا در برنامه‌های درسی بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا یکی از بارزترین موارد به کارگیری خلاقیت و تفکر است. لذا این پژوهش نیز به بررسی علاقه و انگیزه دانش‌آموزان متوسطه اول (فاطمیه سرچشمه زارچ) در تقویت درس انشا می‌پردازد. جهت تحقق این هدف، از روش کتابخانه‌ای و پیمایشی استفاده شده‌است. جامعه آماری این پژوهش، دانش‌آموزان متوسطه سرچشمه زارچ) و نمونه آماری مدرسه فاطمیه این شهر است که با توجه به راهکارهایی که در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت، نتایج، حاکی از بهبود عملکرد دانش‌آموزان و ایجاد خلاقیت و علاقمندی نسبت به قبل بوده‌است.

کلیدواژه‌ها: نگارش، انگیزه، انشانویسی، دوره متوسطه اول، مدرسه فاطمیه سرچشمه زارچ.

^۱ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران Rezaei_ardani@yahoo.com

^۲ دبیر دبیرستان فاطمیه سرچشمه زارچ

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۱۰ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰

زبان و آموزش آن - به‌ویژه زبان رسمی - یکی از مهارت‌ها و دروس اساسی هر نظام آموزشی است. برای آموزش زبان، دانش‌آموزان باید با چهار مهارت اساسی آن، یعنی گوش کردن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن آشنا باشند. انشا در واقع، همان نوشتن است که از طریق آن دانش‌آموزان با به‌کارگیری واژه‌ها، عبارات و جملات مناسب و مراعات قواعد دستور زبان، اندیشه‌ها، عواطف و احساسات خود را به‌صورت مکتوب بیان می‌کنند. بین مهارت نوشتن با دیگر مهارت‌های زبانی، رابطه تنگاتنگی وجود دارد. لذا برای ایجاد این مهارت یا رسیدن به آن، باید به پرورش مهارت‌های گوش کردن، صحبت کردن و تفکر توجه کرد. نگارش صحیح همراه با محتوای مناسب، برای بیان هرچه بهتر مقصود و منظور، امری لازم برای عموم باشندگان یک اجتماع است. بهترین اندیشه‌های بشر به‌وسیله نوشتن ثبت و ضبط شده‌اند. درست‌نوشتن و توانایی ابراز افکار و ایده‌ها در نوشتار، نیاز به آموزش دارد و هدف و کارکرد اصلی درس انشا، پرورش همین توانایی است (الهام‌پور، ۱۳۸۴).

با این نگاه و باور نسبت به انشا و اهمیت آن، وقتی که تدریس انشا در دبیرستان متوسطه اول فاطمیه سرچشمه زارچ یزد به یکی از نگارندگان مقاله واگذار شد، پس از چند جلسه تدریس در پایه‌های هفتم و هشتم مشخص گردید که در طول سال‌های گذشته در کلاس این دانش‌آموزان، به درس انشا اهمیتی داده نشده‌است؛ چراکه دانش‌آموزان این مدرسه نمی‌توانستند به‌آسانی بنویسند و درس انشا برای آن‌ها جذابیتی نداشت. این نارسایی حتی بر نحوه پاسخ‌دادن آن‌ها در تمرینات و آزمون‌های کتبی دیگر دروس نیز اثر گذاشته بود. بارها در کلاس درس و در جریان حل تمارین، مخصوصاً قسمت‌هایی از کتاب فارسی که نیاز به تفکر و خلاقیت دارد، متوجه شدیم که دانش‌آموزان دچار مشکل می‌شوند. کلاس انشا سرد و بی‌روح بود و اغلب نوشته‌های دانش‌آموزان، کلیشه‌ای و تکراری. در نوشتن موضوعاتی که برای انشا در کلاس ارائه می‌شد، تعدادی از آن‌ها مشکل داشتند. و یا بارها پیش‌آمد که پاسخ تعداد زیادی از آن‌ها به سؤالات مکتوبی که نیاز به تفکر و خلاقیت داشت، شبیه به هم و تکراری بود و به رونویسی از روی پاسخ تعداد محدودی از بچه‌ها روی می‌آوردند. این شرایط، دبیر انشای مدرسه مورد مطالعه را مصمم ساخت تا انشای دانش‌آموزانش را تقویت کند.

از آن جایی که مشکلات در زمینه نوشتن و انشانویسی به‌طور رسمی از کلاس سوم به بعد شروع می‌شود و می‌تواند بر سایر فعالیت‌های آموزشی دانش‌آموزان و استفاده بهینه آن‌ها از قابلیت‌های نوشتاری‌شان تأثیر منفی بر جای بگذارد و موفقیت تحصیلی، شغلی و اجتماعی آن‌ها را به خطر بیندازد، انجام تحقیقاتی و جاهتمند پیرامون چگونگی انشانویسی و تبیین و گروه‌بندی الگوهای آن، امری ضروری به نظر می‌رسد (سیف نراقی و میرمهدی، ۱۳۸۴). در همین راستا، ما

بر آن شدیم تا ماحصل تلاش‌های صورت‌گرفته برای تقویت انشانویسی دانش‌آموزان دبیرستان متوسطه اول فاطمیه سرچشمه زارچ یزد را در قالب این مقاله تقدیم کنیم. بنابراین، در این پژوهش کوشیده‌ایم چگونگی تقویت علاقه و انگیزه دانش‌آموزان مدرسه مذکور را در درس انشا به تصویر بکشیم و راه‌کارهایی برای رفع مشکل انشانویسی ارائه‌گرد.

ادبیات و پیشینه پژوهش

۱. نوشتن

برابر انگلیسی واژه نوشتن، از لغت آلمانی *writan* گرفته‌شده که به معنای خاریدن است؛ از این‌رو، می‌توان گفت هر نوشته‌ای از یک خلجان یا تحریک حاصل می‌شود. این فرآیند همچنین به همراه تفکر و تخیل، معنای واقعی خود را پیدا می‌کند (حسنلو و محمودی، ۱۳۸۸: ۳۲). نوشتن در واقع هم علم و هم یک هنر محسوب می‌شود. به‌نوعی می‌توان نوشتن را علمی مؤثر در ایجاد ارتباطات محسوب کرد که قوانین استاندارد خود را دارد.

زبان نوشتاری باید صورت مکتوب و ویراسته زبان گفتاری باشد و تفاوت مهمی با آن نداشته‌باشد؛ اما در عمل، این زبان تمایزهای پررنگی با زبان گفتاری دارد و از این رهگذار، زبان فارسی را گاه غنی‌تر و گاه آلوده کرده‌است. به‌ویژه در حوزه واژگان، بسیاری از واژه‌ها در کارگاه این زبان ساخته و سپس در میان مردم رایج شده و بسیاری نیز، اگر چه در میان مردم رواج نیافته، اما بر پایه یکی از هنجارهای عمومی زبان ساخته شده‌است؛ مانند بسیاری از بر ساخته‌ها و پیشنهاد-های فرهنگستان زبان و ادب فارسی و نیز واژه‌هایی که نویسندگان زبردست براساس قواعد زبان ساخته‌اند (بابایی، ۱۳۹۶: ۵۴). خطا گاه در گفتار و گاه در نوشتار وجود دارد. بخش مهمی از خطاهای گفتاری، در گویش یا شکل ملفوظ کلمات و بخشی نیز میان گفتار و نوشتار، مشترک است. با این حال، خطاهای نوشتاری نیز دو گونه است؛ یا در املا کلمات، یا در غیر آن. به خطایی که مربوط به املا کلمه نباشد، خطای انشایی می‌گوییم؛ اعم از واژگانی، دستوری، کاربردی و آن‌چه مربوط به کلمه یا جمله و جایگاه آن‌ها است. بر پایه این تقسیم‌بندی، مسئله «قطع و وصل» یا «فاصله و نیم‌فاصله» و بسیاری دیگر از مسائل ویرایشی و تایپی، جزء مباحث درست‌نویسی املائی نیست؛ زیرا قاعده در این گونه مباحث، سلیقه و شیوه رسمی نویسندگان در دوران خاصی است. بنابراین، مثلاً املا «یخدا» درست است؛ اگر چه از نظر ویرایشی، غلط باشد. همچنین مواردی مانند کاربرد «تحکیم» در معنای «تثبیت»، غلط املائی محسوب نمی‌شود؛ چون در املا حروف، خطایی رخ نداده‌است و «تحکیم» را «تهکیم» ننوخته‌ایم؛ اما این که معنای «تحکیم»، «داوری» است، نه «تثبیت»، مسئله‌ای انشایی است، نه املائی (همان: ۵۷) شکل

نوشتاری زبان، عالی‌ترین و پیچیده‌ترین شکل ارتباط است. در سلسله‌مراتب مهارت‌های زبان، نوشتن، آخرین مرحله‌ای است که آموخته‌می‌شود. آموخته‌های بنیادی و تجارب مفید مهارت‌های زبانی در گوش‌دادن، سخن‌گفتن و خواندن، در واقع پیش‌نیازی برای نوشتن محسوب‌می‌شود. در دنیای امروز، نوشتن از مهم‌ترین وسایل تفهیم و ارتباط به شمار می‌رود. در نشر عقاید، افکار و نزدیک کردن جوامع بشری و اشاعه فرهنگ و تمدن، نقشی حیاتی دارد.

در نوشتن، به‌عنوان یک مهارت و فعالیت آموزشی، عوامل متعددی دخالت دارند که رعایت نکردن یا مهیا نبودن آن‌ها موجب عدم توفیق دانش‌آموزان در انجام این فعالیت آموزشی می‌شود؛ عواملی چون: خوب شنیدن، حافظه قوی و قابلیت به خاطر سپاری، تبدیل فکر به کلمات، تبدیل کلمات به الگوها و مدل‌های مناسبی که مبتنی بر آموخته‌ها و مکتسبات است، طراحی فرم ترسیم‌شده کلمات و حروف در ذهن، توانایی به دست گرفتن قلم و نگهداری و چرخش آن در دست، یگانه‌سازی روابط پیچیده چشم و دست، رشد و پیشرفت خزانه لغات، حافظه بصری، هماهنگی حرکت چشم و دست، کنترل بازو و حرکت آن، قدرت عضلات انگشتان، فعالیت اعصاب نواحی مختلف و... همچنین علم ثابت‌کرده‌است که رابطه‌ای بین هوش و خط وجود دارد و آن را به‌منزله زبان دانسته‌اند که با رمزگذاری رابطه دارد. و نیز نوشتن به رشد کامل برای ادراک دقیق نمادها، دارا بودن تصاویر ذهنی بازمانده از تجارب حسی، حرکتی، بصری و... وصل است (انوشه‌پور، ۱۳۶۵).

۲. انشا

انشا در لغت به معنی ایجاد، پرورش، ابداع، خلق کردن، آغاز کردن و... است. آن‌چه امروزه فن انشا نامیده‌می‌شود، از نخستین معنای این کلمه، یعنی «ایجاد» گرفته‌شده‌است؛ برای آموزش انسان‌نویسی در برنامه درسی فارسی، روش‌های مختلفی وجود دارد که از جمله آن‌هاست: روش سنتی، روش الگویی، روش فرآیندی، روش ترکیبی و روش ارتباطی. در «روش سنتی»، معلم یک یا چند موضوع را انتخاب کرده و به دانش‌آموزان می‌گوید در مورد یکی از آن‌ها، مطلبی بنویسند. و پس از آن، چند دانش‌آموز انشای خود را سر کلاس می‌خوانند و معلم به آن‌ها نمره می‌دهد. در «روش الگویی»، معلم با ارائه انواع نوشته از دانش‌آموزان می‌خواهد به تکمیل، تفسیر، ساده کردن و بازنویسی آن‌ها بپردازد. در «روش فرآیندی»، معلم باید دانش‌آموزان را با فرآیندهای نوشتاری آشنا کند که شامل سه مرحله است: الف) مرحله پیش‌نگارش یا مرحله برنامه‌ریزی، ب) مرحله نگارش، ج) مرحله ویرایش و بازبینی. در «روش ترکیبی» به جملات زبان نوشتاری اهمیت خاصی داده‌می‌شود. و طرفداران آن معتقد هستند که برای یادگیری انشا باید دانش‌آموزان شروع کنند، سپس رفته‌رفته آن‌ها را هدایت کنیم. در «روش ارتباطی» نیز معمولاً دانش‌آموزان هنگام نوشتن انشا احساس می‌کنند که مخاطبی به‌جز معلم خود ندارند. در واقع این روش بر رابطه‌هایی تأکید

دارد که میان نویسندگان، خواننده و موضوع نوشته وجود دارد (قاسم‌پور مقدم، ۱۳۹۵). گفتنی است انشا در کنار این روش‌های آموزشی مختلف، اقسام گوناگونی نیز دارد؛ انشای توصیفی، انشای تخیلی، جان بخشیدن به اشیاء، گزارش‌نویسی، داستان‌نویسی، شرح‌حال‌نویسی، نامه‌نگاری، خاطره‌نویسی، خلاصه‌نویسی و ... از گونه‌های مختلف انشانویسی به شمار

انشانویسی در مدارس ایران، مشکلاتی اساسی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: «ناتوانی دانش‌آموزان در تولید فکر یا اندیشه برای نوشتن» و «جذاب‌نبودن کلاس انشا». در توضیح این دو مشکل باید گفت که دانش‌آموزان به علت کم مطالعه کردن، توانایی لازم را برای نوشتن ندارند و دچار نوعی فقر فکری و ذهنی هستند. در نتیجه، برای رسیدن به وضع مطلوب، باید فکر آن‌ها را بارور کنیم و این کار جز با علاقمند کردن آنان به مطالعه، امکان‌پذیر نیست. به علاوه، همه ما این موضوع را به روشنی دریافته‌ایم که کلاس‌های ورزش و نقاشی برای دانش‌آموزان جذابیت دارد و کلاس انشا غالباً کلاسی سرد و رمانده است؛ از این رو، بر ماست که آموزش انشا را به کمک قصه‌خوانی، نقاشی و ... جذاب و لذت‌بخش سازیم. از جمله اقداماتی که می‌تواند در کلاس‌های انشا به کارمان بیاید، گام‌های زیر است:

گام اول) صحبت کردن درباره کتاب و کتاب‌خوانی: برای شروع، جمله «کسی می‌تواند نویسنده خوبی شود که خواننده خوبی باشد» را بر تخته سیاه می‌نویسیم. سپس از دانش‌آموزان می‌خواهیم که این جمله را خوش‌خط و خوانا در اولین صفحه دفترشان بنویسند؛ تا درباره مطالعه کردن و کتاب‌خوانی برایشان صحبت کنیم. نظر دانش‌آموزان را هم در این مورد می‌پرسیم و از آن‌ها می‌خواهیم فهرستی از کتاب‌هایی را که خوانده‌اند، با ذکر مشخصات آن‌ها در دفترشان بنویسند و از بین آن‌ها، بهترین‌ها را با رنگ دیگری مشخص کنند. همان‌طور که می‌دانیم با گفتن و صحبت کردن صرف، دانش‌آموزان کتاب‌خوان نمی‌شوند؛ آن‌ها باید ما معلمان را به‌عنوان الگوهای عملی ببینند. ما می‌توانیم چند نمونه داستان از کتاب‌های مختلف بخوانیم و از آن‌ها بخواهیم برای صحنه‌هایی از آن داستان‌ها که خوششان آمده، نقاشی رسم کنند.

گام دوم) انشای کوتاه: پس از خواندن چند داستان در کلاس، از دانش‌آموزان می‌خواهیم تا انشای کوتاهی بنویسند. تجربه نشان داده‌است که هرگاه انشا کوتاه باشد، غالباً دانش‌آموزان از آن استقبال می‌کنند. هنگام نوشتن انشای کوتاه، از دانش‌آموزان می‌خواهیم کوشش خود را به محتوا و متن معطوف کنند و نگران طول انشا نباشند. این شرط آن‌ها را آسوده‌خاطر می‌سازد و انشا-های‌شان از محتوای خوبی برخوردار می‌گردد. در ضمن با توجه به قصه‌هایی که خوانده‌شده، بچه‌ها با افکار بزرگان و صاحبان قلم تا حدی آشنا شده، نوعی زمینه فکری پیدا می‌کنند و تا حدی خلاء فکری در آن‌ها از بین می‌رود. کامل کردن یک داستان نیمه‌تمام نیز که گاهی از آن‌ها می‌خواهیم، نمونه‌ای از انشای کوتاه است. بچه‌ها انشاهای اولیه را کوتاه می‌نویسند؛ اما با گذشت یکی دو

چگونه توانستیم علاقه و انگیزه دانش‌آموزان متوسطه اول ...

جلسه، خودشان از ما می‌خواهند که انشاهای بلند بنویسند. در این صورت ما به‌طور غیرمستقیم به خواسته خود رسیده‌ایم.

گام سوم) تقویت حس بینایی: در این گام به دانش‌آموزان می‌آموزیم برای این‌که نویسنده خوبی باشیم، باید از تمامی حواس خود، به‌خصوص چشم‌های مان خوب استفاده کنیم. ساختن کلاژ، دادن تصاویر و پیدا کردن اختلاف آن‌ها و اجرای پانتومیم در این راه بسیار مفید است.

گام چهارم) تقویت حس شنوایی: در این گام، دانش‌آموز یاد می‌گیرد که برای خوب نوشتن، علاوه بر خوب دیدن، باید گوش شنوایی نیز داشته باشیم. پخش صداهای گوناگون و تشخیص صداهای محیط اطراف و بازی، در تقویت این مهارت، بسیار مؤثر است. آن‌ها باید فرق بین شنیدن و گوش دادن را درک کنند.

گام پنجم) : با هم انشا نوشتن: یکی از گام‌های خوب برای تقویت انشانویسی دانش‌آموزان این است که همه با هم انشا بنویسیم (ما هم مانند بچه‌ها در کلاس، انشا بنویسیم)؛ تا آن‌ها خودبه‌خود چگونه نوشتن را بیاموزند. برای رسیدن به این هدف، بهتر است ابتدا از موضوعاتی که آن‌ها خوششان می‌آید، شروع کنیم و سپس به موضوعات دیگر برسیم. وقتی ما در مدرسه مورد مطالعه از بچه‌ها خواستیم تا انشایی با این عنوان بنویسند که «اگر یک مادر بودید، چه می‌کردید؟»، ذوق و اشتیاق آن‌ها خیلی جالب بود و نوشته‌های خوبی شکل گرفت. به‌علاوه، لازم است به بچه‌ها بیاموزیم که چگونه انشای خود را در کلاس بخوانند؛ بنابراین، کسانی که انشای خود را با صدای بلند و رسا و با احساس می‌خوانند، باید تشویق شوند؛ تا بدین ترتیب به‌مرور، قدرت بیان بچه‌ها تقویت گردد.

گام ششم) انشای گروهی یا انشای مشارکتی: در گام ششم از بچه‌ها خواهیم تا با همکاری و هم‌فکری یکدیگر یک انشا بنویسند. به این ترتیب آن‌ها با افکار هم‌دیگر آشنا می‌شوند و چون در کنار هم و با هم شروع به نوشتن می‌کنند، به حس اعتماد به نفس و انگیزه قابل‌توجهی دست می‌یابند. بعد از خواندن انشا، به بچه‌ها نمره گروهی بدهیم و انشاهای گروهی را در پرونده کارگروهی کلاس قرار دهیم؛ تا در زمان مناسب، نمایشگاهی از این نوشته‌ها ترتیب دهیم.

گام هفتم) سکوی پرتاب به دنیای نوشتن: این گام، سکویی برای پرتاب دانش‌آموزان به دنیای نوشتن یا انشانویسی جدی است. یکی از سخت‌ترین قسمت‌های انشانویسی، تسخیر شدن به‌وسیله موضوع است و همین امر، قدرت و پویایی را از نویسنده می‌گیرد؛ لذا نویسنده صرفاً به موضوع می‌اندیشد. لازم است دانش‌آموز را یاری کنیم آن‌گاه که به موضوع می‌اندیشد، سعی کند آن‌چه را قبلاً آموخته، با خود همراه سازد؛ تا انشای کاملی ارائه دهد. در این گام دانش‌آموز هدایت می‌شود تا از شش گام قبلی به‌صورت بهینه استفاده کند و با بهره‌برداری عمیق و هم‌زمان از تمامی مراحل گفته‌شده، انشا بنویسد

ارزشیابی انشا نیز به‌عنوان یک موضوع آموزشی مهم، معیارهای مختلفی دارد؛ معیارهایی چون: نوآوری و ابتکار، پروراندن موضوع و فهم آن، ارتباط و هماهنگی میان مطالب و جملات، رعایت نکات دستوری و نگارشی، خوانایی و تمیزی، ارتباط افقی و عمودی بندها، نظم فکری و ... جدای از همه مطالب بالا، چند نکته یا راه‌کار مهم دیگر هم درباره انشا وجود دارد که شایسته است معلمان این درس به آن‌ها توجه جدی داشته‌باشند:

- ۱- نوشتن انشا حتماً در کلاس صورت‌بگیرد؛ حتی اگر ۳ یا ۴ سطر باشد.
- ۲- بعد از نوشتن انشا، معلم کلیه انشاها را با قید تاریخ، امضا نماید؛ تا تغییر متن انشا در زمانی که دانش‌آموزان انشای خود را می‌خوانند، به حداقل برسد.
- ۳- بعد از نوشتن انشا، از دانش‌آموزان بخواهیم تا یکی‌یکی انشای خود را بخوانند.
- ۴- چون پرورش تخیل در کودکان بسیار قوی است و به داستان‌های خیالی علاقه فراوان دارند، سعی شود موضوعات انشا به‌صورت داستانی باشد.
- ۵- برای دانش‌آموزان قصه‌ای بخوانیم و سپس از آن‌ها بخواهیم قصه شنیده‌شده را خلاصه-نویسی کنند.
- ۶- شیوه‌های مناسب نگارش و انشا به دانش‌آموزان آموخته‌شود.

۳. تفکر خلاق

تفکر خلاق، مهارتی است که شخص با تلفیق مهارت‌های حل مسئله و تصمیم‌گیری، از افکار یا روابط نو برخوردار شده و قدرت کشف و انتخاب راه‌حل‌های جدید را پیدا می‌کند. در توضیح این تعریف باید گفت که اساساً دو نوع تفکر وجود دارد: تفکر واگرا و تفکر هم‌گرا؛ تفکر خلاق با تفکر واگرا رابطه مستقیم دارد و افراد با تفکر واگرا سعی می‌کنند پدیده‌ها و امور و افکار را آن‌چنان که هستند، به‌راحتی نپذیرند. آن‌ها می‌کوشند نگاه متفاوت‌تری داشته‌باشند و از قالب‌های فکری همسان دور شوند؛ به عبارتی دیگر، پدیده‌ها را با چشم و منظر دیگری نگاه می‌کنند. به قول سهراب سپهری، برای جور دیگر دیدن، چشم‌ها را می‌شویند: چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید. اما در تفکر هم‌گرا، فکرهای جدید و نو کمتر راه می‌یابد و امور و پدیده‌ها آن‌چنان که هستند، دیده و پذیرفته می‌شوند (فتحی، ۱۳۸۴).

تفکر خلاق مراحل دارد که در ادامه به آن اشاره خواهد شد:

۱- آمادگی: در این مرحله، افراد به امور و پدیده‌های مختلف زندگی دقت و توجه بیشتری پیدا می‌کنند؛ به حدی که گاهی پدیده‌های زندگی، مدت‌های طولانی ذهن شخص را به خود مشغول می‌سازد.

۲- مطالعه: در این مرحله، فرد با بررسی و مطالعه بیشتر، روابط بین پدیده‌ها را بهتر درک می-

کند.

- ۳- تغییر: در این مرحله، شخص به نوع روابط بین پدیده‌ها که ذهن او را به خود مشغول کرده، پی‌برده و با طرح سؤال‌های مختلف، به نقد و بررسی آن می‌پردازد.
- ۴- پختگی: در این مرحله، شخص با گذر از مراحل قبل، به درک و شناخت عمیق‌تری از روابط بین پدیده‌ها می‌رسد و تو‌گویی پدیده‌ها جزئی از وجودش شده‌اند.
- ۵- اشراف: در این مرحله، شخص به پاسخ‌های ناگهانی دست پیدا می‌کند و معمولاً با عباراتی نظیر «آهان، یافتم» و ...، متجلی می‌شود.
- ۶- واری: در این مرحله، فرد به بررسی بهترین ایده‌ای که در مراحل قبلی به آن رسیده‌است، می‌پردازد؛ تا صحت و سقم آن را مشخص نماید.
- ۷- اجرا: در این مرحله، فرد افکار یا ایده‌هایی را که تأیید شده‌اند، به مرحله اجرا در می‌آورد (همان).

نوشتن، فعالیت و مهارتی است که از دیرباز مدنظر انسان بوده و در همهٔ ممالک به آن توجه شده‌است؛ از این‌رو، دربارهٔ این مهارت زبانی، تاکنون بسیار نوشته‌اند. در کشور ما، قدیم‌ترین متن رسمی آموزش انشا در بستر نظام آموزشی نوین، کتاب «روش نوین در آموزش و پرورش»، تألیف دکتر عیسی صدیق است. کتاب «اصول تعلیم زبان و ادبیات در مدارس ابتدایی»، تألیف دکتر حسین رزمجو نیز در سال ۱۳۴۴ به‌عنوان متن درسی روش تدریس ادبیات فارسی در مدارس ما مورد استفاده قرار گرفت. به‌علاوه، در ابتدای سال ۱۳۵۰ در اولین سمپوزیوم جایگاه تربیت، فرصتی برای بیان دیدگاه‌های صاحب‌نظران و پژوهشگران دربارهٔ روش تدریس انشا به دست آمد (الهام‌پور، ۱۳۸۴). جدای از این تلاش‌های آغازین در روزگار معاصر، پژوهش‌های قابل توجهی تا لحظهٔ نگارش این سطور در مملکت ما دربارهٔ نوشتن و انشا صورت گرفته‌است که برخی از آن‌ها مختصراً معرفی می‌گردد: سیف نراقی و میرمه‌دی (۱۳۸۲)، در «مقایسهٔ الگوهای انشانویسی در دانش‌آموزان پسر نارساخوان و نارسانویس پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی با دانش‌آموزان عادی شهر تهران در سال تحصیلی ۸۱-۸۰»، نشان دادند که عمده‌ترین خصوصیات انشانویسی دانش‌آموزان نارساخوان و نارسانویس در پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی، مربوط به مشکلات دستوری و ناتوانی در سازمان‌دهی متن نوشتاری، کوتاهی جملات و متن، فقدان محتوای غنی در متن، جملات ناتمام و استفاده از کلمات محاوره‌ای است. الهام‌پور (۱۳۸۴)، هم در پژوهشی با عنوان «بررسی مشکلات درس انشای فارسی دورهٔ راهنمایی استان خوزستان»، نشان داد که مشکلات آموزشی درس انشا از دیدگاه دانش‌آموزان را می‌توان در چهار عامل «مشکلات ساختاری، مشکلات اجرایی، مشکلات تدریس و راهنمایی و انتخاب موضوع» و از دیدگاه دبیران در سه عامل «مشکلات مربوط به نوشتن، مشکلات مربوط به تدریس و مشکلات آموزشی» جست‌وجو کرد. نتایج تحقیق فرامرزی و کرم‌علیان (۱۳۹۰)، با «تأثیر مداخلهٔ آموزشی مبتنی بر رویکرد تجربهٔ زبانی بر مهارت بیان

نوشتاری (انشا) دانش‌آموزان»، گویای این حقیقت است که آموزش مبتنی بر رویکرد تجربه‌زبانی، بر عملکرد دانش‌آموزان در مهارت نوشتاری تأثیر دارد و می‌توان از این رویکرد در بهبود مهارت نوشتاری کودکان استفاده کرد. خورشیدوند و صادقی‌نیا (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی علل ضعیف‌بودن دانش‌آموزان در درس املا و انشا و ارائه راه‌کارهای مناسب جهت پیشرفت تحصیلی»، روشن‌ساختند که عواملی چون: به کارگیری یک روش در تمام تدریس و عدم به کارگیری روش‌های متنوع، نبود رابطه عاطفی و صمیمی بین دانش‌آموزان و دبیران، عدم وجود احترام، عدم ایجاد انگیزه توسط معلم در دانش‌آموزان، ضعیف‌بودن پایه دانش‌آموزان در فعالیت‌های خواندن و نوشتن، عدم مدیریت کارآمد معلم و بی‌نظمی در کلاس درس، عدم توانایی معلم در ساده‌سازی و قابل‌فهم نمودن مطالب درسی، اهمیت‌ندادن به درس‌های املا و انشا و ... موجب ضعف و بی‌علاقگی دانش‌آموزان شده‌است. قاسم‌پور مقدم (۱۳۹۵)، نیز در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی برنامه درسی آموزش انشا در دوره متوسطه آلمان و ایران»، تبیین کرده‌است که آموزش انشا در آلمان، هم در برنامه درسی زبان عربی و هم در سایر برنامه‌های درسی، مانند مطالعات اجتماعی، زیست، ریاضی، علوم، هنر و مهارت‌های زندگی، به صورت یک مهارت تلفیقی ارائه می‌شود؛ در حالی که در ایران، تنها برنامه درسی زبان فارسی، به صورت تفکیکی درون‌رشته‌ای و بدون ارتباط با سایر برنامه‌های درسی، آموزش داده می‌شود. به علاوه، در آلمان، برخلاف ایران، آموزش انشا برای معلمان و دانش‌آموزان و حتی اولیا، یک ضرورت آموزشی محسوب می‌گردد.

روش پژوهش

داده‌های پژوهش حاضر از راه مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی فراهم آمده‌است. در مطالعات میدانی، پس مشورت با همکاران و مدیر مدرسه و با مشاهده رفتار دانش‌آموزان پایه‌های هفتم و هشتم، داده‌های لازم جمع‌آوری شده‌است. راهکارهای لازم از طریق مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری شده است و برای مورد مطالعه به کار گرفته شد.

یافته‌های پژوهش

جهت بررسی عینی و حصول نتایج دقیق و ارائه راهکارهای علمی، یافته‌های پژوهش ذیلأ به صورت گام‌به‌گام از نظر خواننده محترم می‌گذرد:

۱. گام اول

بعد از بیان چگونگی نگارش انشا و بیان نکات لازم در کلاس، چند نمونه انشا برای دانش‌آموزان قرائت شد و مقرر گردید جلسه بعد، همه دفترهای انشای خود را بیاورند و در کلاس انشا بنویسند.

_____ چگونه توانستیم علاقه و انگیزه دانش‌آموزان متوسطه اول ...

در ابتدا، بچه‌ها مخالفت می‌کردند؛ زیرا اعتماد به نفس لازم را برای نگارش انشا در کلاس نداشتند. پس از مدتی بحث و بررسی، بالاخره متقاعد شدند این کار را انجام دهند؛ تا در کلاس‌های بالاتر دچار مشکل نشوند.

در گام اول، عبارت «یک روز خرگوش کوچولو تصمیم گرفت تنهایی به جنگل برود. کمی که از خانه خودش دور شد، یک‌دفعه صدای بلندی ...» را از داستانی که هفته گذشته در کلاس قرائت شده بود، روی تخته‌سیاه نوشتیم و از دانش‌آموزان خواستیم هرکس بنا به علاقه و سلیقه خود، ادامه این جملات را بنویسند. بچه‌ها خیلی احساس نارضایتی می‌کردند. وقتی گفتیم حتی اگر دو سطر هم بنویسید، خیلی اهمیت دارد و نمره خوبی خواهید گرفت، قبول کردند و کم‌کم نوشتند. چون اولین جلسه نگارش طولانی شد، قرار بر این گذاشتیم که تمامی انشاها پس از ثبت تاریخ و امضا، در جلسه آینده خوانده شود. بعضی از انشاها خیلی خوب بود و قدرت تخیل و خلاقیت بچه‌ها را نشان می‌داد و برخی دیگر، از نظر جمله‌نویسی و اصول نوشتن، مشکل داشت.

۲. گام دوم

پس از بررسی، معلوم شد یکی از دلایل عمده نقص نوشتاری دانش‌آموزان، کاربرد نادقیق کلمات و واژه‌ها در نگارش است. جمله‌بندی نیز بعضاً برای آن‌ها دشوار می‌نمود. برخی انشاهای خنده‌داری نوشته بودند که با خواندن آن‌ها به کلاس شادابی می‌بخشیدند. مجموع تلاش‌های ما تا این گام، بیانگر آن بود که دانش‌آموزان از این روش راضی هستند.

۳. گام سوم

برای بالا بردن ضریب دقت دانش‌آموزان و مطمئن بودن از توجه شاگردان، مقرر شد پس از خواندن هر متن، انشای مدنظر مورد نقد و بررسی قرارگیرد و یک نفر از بچه‌ها به صورت اتفاقی خلاصه‌ای از انشا را برای کلاس بازگو نماید. شروع این کار با سختی همراه بود؛ چرا که دانش‌آموزان ابتدا قادر به نوشتن نبودند. از جلسه‌های آینده، رغبت و علاقه دانش‌آموزان کاملاً مشهود بود. برای بررسی و مقایسه تفاوت روند و پیشرفت نگارش، مقرر گردید نمونه‌هایی از انشاهای جلسات اول تا ششم جمع‌آوری شود. نکته مهم‌تر این بود که اعتماد به نفس دانش‌آموزان تا این قسمت از کار، به سطحی رسیده بود که خودشان می‌توانستند بدون کمک و دیکته دیگران، درباره موضوع ارائه شده بنویسند؛ ولو فقط چند سطر باشد.

در نوشتن انشا، ضمن در نظر گرفتن اصول و مبانی آیین نگارش و زیبانویسی، باید به معیار-های دیگری نیز توجه داشت. برخی از این معیارها عبارت‌اند از: روشن بودن موضوع اصلی انشا، عدم استفاده از عبارات و جملات تکراری، مستدل و مربوط بودن، تقلیدی نبودن، استفاده از تمثیل، استقلال فکری و ارتباط پاراگراف‌ها، پاره‌پاره نبودن جمله‌ها، تنوع جمله‌ها و هماهنگی میان آن‌ها،

نو و ابتکاری بودن نوشته‌ها، پرورش نظم فکری و داشتن خلاقیت، نشانه‌گذاری و رعایت اصول ظاهری مطلب، رعایت قواعد املایی و دستوری و

برای ارزش‌یابی دقیق‌تر نوشته‌های فراگیران، چک‌لیستی را تهیه کردیم؛ تا کاستی‌ها و علل ضعف انشا و تفکر خلاق را ریشه‌یابی کنیم. به دلیل عدم وجود جملات و عبارات خلاق در انشا و استفاده از جملات کلیشه‌ای، تصمیم گرفتیم کلاس انشا را از حالت خشک و بی‌روح به حالت فعال و جذاب در بیاوریم؛ تا فراگیران با تمرکز و علاقه به نوشتن بپردازند و خلاقیت و تفکر خلاق را در آن‌ها بهبود ببخشیم.

با توجه به مطالعات انجام شده، در یک جلسه از دانش‌آموزان خواستیم داستان نیمه‌تمامی را که در اختیارشان می‌گذاریم، ادامه دهند. در جلسه‌ی دیگر، یک روز زیبای پاییزی را توصیف کردند. در یک جلسه هم دانش‌آموزان ضرب‌المثل‌های قدیمی را جمع‌آوری و در کلاس ارائه کردند. در جلسه‌ی دیگر، تصاویری را به دانش‌آموزان دادیم تا براساس آن نوشته خود را طراحی کنند. روش‌های صحیح مطالعه را نیز در جلسه‌ی جداگانه به آن‌ها آموزش دادیم.

اجرای شیوه‌های منتخب، به‌طور محسوسی از بهبود وضع موجود حکایت داشت. دانش‌آموزان اکنون جملات خلاق‌تر و جدیدتری می‌نوشتند و در انشای آن‌ها جملات و کلمات کلیشه‌ای و تکراری کمتر به چشم می‌خورد. سر کلاس، انشاهای زیبای خود را به مناسبت‌های مختلف می‌خواندند. ارزشیابی انشای دانش‌آموزان براساس معیارهای معرفی شده و مقایسه نمرات آن‌ها پیش و پس از آموزش، نشان می‌داد که روش‌های فوق، مؤثر واقع شده و کلاس انشا برای دانش‌آموزان جذابیت زیادی پیدا کرده و تفکر خلاق آن‌ها بهبود یافته است.

برای حل این مشکل، ابتدا به جمع‌آوری تجربیات اولیای دانش‌آموزان در ارتباط با درس انشا پرداختیم و در جلسه‌ی که در آبان ماه برگزار شد، مسئله را مطرح نمودیم. از تجربیات همکاران محترم نیز استفاده کردیم و کتاب‌های مختلفی چون: آیین نگارش، رهیافت‌های آموزشی و تربیتی در درس انشا، خودآموز روش تدریس مهارت نوشتن در دوره ابتدایی، خودآموز روش تدریس زبان فارسی، شیوه‌های خلاق آموزش انشا، آموزش خاطره‌نویسی را مطالعه کردیم. در یک تقسیم‌بندی کاری، در مرحله اول از نحوه تدریس انشای چند نفر از همکاران جویا شدم و این که نگارش انشا باید در منزل صورت بگیرد یا در کلاس درس. از اولیای دانش‌آموزان که در مدرسه حاضر می‌شدند، پرس‌وجو و دیدگاه‌شان را یادداشت می‌کردیم؛ نظرات متفاوتی ایراد می‌شد. در بررسی‌ای که انجام دادیم، معلوم شد که اکثر انشاها در منزل نوشته می‌شود؛ چیزی که با توجه به نتایج تحقیقات و نظر اکثر علمای تعلیم و تربیت، کاملاً منسوخ است. اکثر اولیا از این امر ناراضی بودند و دانش‌آموزان نیز در کلاس تمایل به شنیدن نوشته‌های هم‌کلاسی خود نشان نمی‌دادند.

برای اکثر معلمان نیز ساعت انشا خسته‌کننده است. در یک نظرسنجی از بچه‌ها، معلوم شد که آن‌ها نمی‌دانند چگونه انشا بنویسند و موضوعات برای آن‌ها قابل فهم نیست. با تحقیق‌هایی که در خصوص نگارش و مخصوصاً نگارش خلاق مقطع متوسطه انجام دادیم، به این نتیجه رسیدیم که در ساعت انشا می‌توان با ایفای نقش، قصه‌گویی و نمایش خلاق، به عالی‌ترین اهداف زبان‌آموزی دست‌یافت که نوشتن نیز یکی از این اهداف است. ایجاد برقراری ارتباط انسانی و عاطفی، نظم-بخشی به افکار، گفتار، پرورش قوه تفکر، استدلال، استنتاج و به‌طور کلی رشد و شکوفایی خلاقیت و استعداد‌های زبانی در دانش‌آموزان می‌انجامد.

پس از اجرای راه‌حل‌های مدنظر و نتیجه‌گیری مطلوب، موضوع را با همکاران و مدیر مدرسه در میان گذاشتم و تعدادی از انشاهای دانش‌آموزان را به آن‌ها نشان دادیم. آن‌ها با توجه به سوابق تدریس خود، از شیوه‌های اجرا شده استقبال کردند. و پس از مدتی بیان کردند که انشای دانش‌آموزان‌شان بهبود یافته است. شواهد نشان می‌داد که روش‌ها مؤثر واقع شده و هرچه دانش‌آموزان بیشتر تمرین می‌کنند، مهارت آن‌ها در نگاشتن مطالب خلاق بیشتر می‌شود و نهایتاً روش‌های اجرایی، موفقیت‌آمیز ارزیابی شدند.

نتیجه‌گیری

با وجود اهمیت بسیار بالای انشا، این درس هنوز جایگاه واقعی خود را در مدارس ما پیدا نکرده است. نتایج بررسی‌ها حاکی از آن است که یکی از دلایل عمده نقص نوشتاری دانش‌آموزان، عدم کاربرد دقیق کلمات و واژه‌ها هنگام نگارش است. در این پژوهش، با گام‌هایی که برداشتیم، اعتماد به نفس دانش‌آموزان به سطحی رسید که توانستند بدون کمک و دیکته دیگران، در مورد موضوع ارائه شده، دست‌کم چند سطر بنویسند و به این ترتیب، اجرای شیوه‌های مدنظر به‌طور محسوسی از بهبود وضع انشانویسی دانش‌آموزان حکایت داشت. به‌دنبال به کارگیری شگردهای مورد نظرمان، دانش‌آموزان موفق شدند جملات جدیدتر، خلاق‌تر و زیباتری در نوشته‌های خود به کار ببرند و در انشای آن‌ها کلمات کلیشه‌ای و جملات تکراری، کمتر به چشم می‌خورد. به‌علاوه، ارزشیابی انشای دانش‌آموزان، براساس معیارهای قبلی و مقایسه نمرات آن‌ها در این درس، پیش و پس از آموزش، نشان داد که برای دانش‌آموزان مورد مطالعه، کلاس انشا جذابیت زیادی پیدا کرده و تفکر خلاق آن‌ها بهبود یافته است.

با توجه به نتایج به‌دست آمده، پیشنهاد می‌گردد: الف) کلاس انشا که مادر تمام دروس است، دارای برنامه و طرحی مناسب در ابعاد گوناگون آموزشی باشد. ب) مشکلات و تنگناها و علل افت و نارسایی کلاس انشا به‌درستی بررسی و تحلیل گردد و راه‌حل‌های مناسب و علمی برای رهایی از شرایط نامناسب مطرح شود. پ) فرهنگ مطالعه رواج یابد و در ساعت انشا، مطالعه و کتاب‌خوانی

و فرهنگ انتقاد جدی گرفته‌شود. (ت اولیا و مربیان برای نوشته‌های دانش‌آموزان تشویق شوند. ث) المپیادهای انشانویسی برگزار گردد. ج) کلاس انشا با بحث و تبادل نظر و پرسش و پاسخ همراه باشد.

منابع

- الهام پور، حسین (۱۳۸۴). «بررسی مشکلات درس انشای فارسی دوره راهنمایی استان خوزستان»، علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال دوازدهم، شماره ۲، ۱۱۳-۱۳۴.
- انوشه پور، ابوالفضل (۱۳۶۵). روش تدریس فارسی ابتدایی، تهران: ایران.
- بایایی، رضا (۱۳۹۶). بهتر بنویسیم، قم: ادیان.
- حسنلو، ژیلا و محمودی، نورالدین (۱۳۸۸). خلاقیت نوشتاری و هنر نوشتن، تهران: نشر چاپار.
- خورشیدوند، مرضیه و صادقی نیا، علیرضا (۱۳۹۴). «بررسی علل ضعیف بودن دانش‌آموزان در درس املا و انشا و ارائه راهکارهای مناسب جهت پیشرفت تحصیلی»، دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار و مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، تهران.
- دال، یاکوب (۱۳۹۴). «ارزیابی دوباره نگارش آغازین در ایران». مترجم: دانشمند پارسا، فصلنامه علمی فنی، هنری، شماره ۶۸، ۳-۱۴.
- سیف نراقی، مریم و میر مهدی، سید رضا (۱۳۸۲). «مقایسه الگوهای انشانویسی در دانش‌آموزان پسر نارساخوان و نارسانویس پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی با دانش‌آموزان عادی شهر تهران در سال تحصیلی ۸۱-۸۰»، پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، سال سوم، شماره ۱، ۷۵-۹۲.
- فتحی مهدی (۱۳۸۴). مهارت تفکر خلاق و نقادانه، تهران: شهیدی پور
- فرامرزی، سالار و کرملیان، حسن (۱۳۹۰). «تأثیر مداخله آموزشی مبتنی بر رویکرد تجربه‌زبانی بر مهارت بیان نوشتاری (انشا) دانش‌آموزان، رویکردهای نوین آموزشی»، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان، سال ششم، شماره ۲، شماره پیوسته ۱۴، ۴۱-۶۰.
- قاسم پور مقدم، حسین (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی برنامه درسی آموزش انشا در دوره متوسطه آلمان و ایران، فصلنامه برنامه درسی ایران»، سال یازدهم، شماره ۴۱، ۹۹-۱۲۸.

Rosenblatt, L (۲۰۰۵). The transactional theory of reading and writing making meaning with texts select essays. Portsmouth .NH :Heinemann.